



نسیمی از گوی کبریا

مفتاح معرفت الهی در گنجینه سخن سرایان

ابوالقاسم تصویری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - کاشان

یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اتوا العلم درجات (مجادله، ۱۱/۵۸)

سرچشمه همه جلوه های هستی که شکوه جلال و جمال حضرت ربوبی را در آینه خلقت متجلی کرده و دل و جان را در شور و هیجان و جذب و کشش تماشای منظر خوش سیمای محبوب ازلی، بی قرار و مدهوش کرده است، از علم بی پایان حضرتش نشأت گرفته و هستی را به نور این هدیه و تحفه پربها منور کرده و آزین بسته است. برآستی اگر دانش ودانایی که زیور و زینت و جوهر و حقیقت همه خوبی ها و مایه حیات جاودانگی دل، این گنجینه محبت محبوب قدسی و تسکین سرای بارگاه محجوب لامکانی است، مشعله مشعل فروز خویش را بر نیفر وخته بود و جهان را به پرتو هدایت گسترش، فروغ و فرزاندگی و شور و شیدایی نبخشیده بود جهان در ظلمات و تاریکی جهل فرو رفته، حیات و زندگی و لذت و کامیابی و رشد و بالندگی که لازمه تکامل خلقت انسان است معنی حقیقی خود را باز نمی یافت.

شاید حدیث: اول ما خلق الله نوری^۱، گویای این مطلب باشد که اولین موهبت لطف آمیز پروردگار همین دانایی و درایت و فهم و کیاست باشد. زیرا که به شمع و چراغ دانش، گیتی فروزندگی و نوازش دارد. قرآن مجید، این خورشید همیشه تابان گیتی و مفتاح معرفت الهی، راز و رمز بهره مندی از الطاف حق و اکتساب ملکات پسندیده دنیوی و اخروی

را در شکوفایی خرد، اندیشه، ذهن و ضمیر انسان، دانسته می‌فرماید: کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب (ص، ۲۹/۳۸)؛ کتابی است مبارک که آن را بر تو فرو فرستاده‌ایم، تا در آیات آن اندیشه کنند و خردمندان از آن پند گیرند.

آری معطر کردن مشام جان به عطر و رایحه روح بخش قرآن و خجسته و مبارک کردن زندگی این جهان و آن سرای، ممکن و میسر نیست مگر به تدبیر، تعقل و اندیشه در مفهوم و معنای آیات کریمه و البته جز انسان‌های فرهیخته، فرزانه و خردمند از آن نتوانند بهره و نصیب گرفته، تنبیه و تذکیر یابند که: ولیتذکر اولوالالباب؛ و راستی دانایان و نادانان برابرند: هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون (زمر، ۹/۳۹)، آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند. اینک که عمل و دانش و فروغ و فرزنگی قافله سالار و پرچمدار جهان (ما سوی الله) است، برماست که در راه فراگیری و فراگیری آن شب از روز باز نشناسیم و توان و تلاش خود را در این سیر و سیاق به تمامه باز نماییم و خود را از قافله شتابان و خوش مشرب به بلندای معرفت و شناخت بازنگیریم تا به همراهی و همگامی آن مشعل فروزان بر مناره نور آزین کوکب اقبال جای گرفته، به انگشت عبرت و تحسین نشانمان داده و در پرتو فروغمان از ظلمات جهل به بلندای هدایت راه یابند.

سخن را با کلام نور بخش حق آغاز و با بیان بلیغ و شیوای امیرکلام و خیر الانام مولی الموحدین علی بن ابی طالب (ع)، به کمال می‌رسانیم.

کل وعاء یضیع بما جعل فیہ الا وعاء العلم فانه یتسع به؛ هر آوندی و ظرفی بدانچه در آن نهند تنگ و پر می‌شود جز ظرف و آوند دانش که هر چه در آن نهند فراخته می‌گردد.

دانش اندر دل چراغ روشن است وز همه بد بر تو جوشن است
حافظ که در اوج غزل عارفانه و عاشقانه نام آور جهان ادب است همه چیز خود را از قرآن دانسته، می‌گوید:

قرآن زبر بخوانی با چهارده روایت
تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور
باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد
هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم
لطایف حکمی با نکات قرآنی
به قرآنی که اندر سینه داری

عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ
حافظا در کنج فقر و خاوت شبهای تار
حافظ به حق قرآن کز شید و زرق باز آی
صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ
زحافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد
ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ

اینک که عظمت، بزرگی و مبارکی قرآن را دریافتیم، در پیشگاه او چه وظیفه‌ای داریم؟ نخست باید با قرآن انس و آشنایی یافته، مونس درون و برونمان گردد و در این انس باید در حد مقدور و توان از قرائت آن بهره‌مند شویم.

زبانمان را به الفاظ جمیل و جزیل قرآن حرکت بخشیم و از نسیم دلالات فصاحت و بلاغت کلام حق جانمان را سیراب کرده، این آیات قرآن را در تحقق انس و الفت و یادمان جاوید برخوانیم که: *فاقرءوا ما تیسر من القرآن علم ان سیکون منکم مرضی و اخرون یضربون فی الارض یتتغون من فضل الله و اخرون یقاتلون فی سبیل الله فاقراءوا ما تیسر منه (مزل، ۷۳/۲۰)*

هرچه مقدور باشد از قرآن بخوانید، معلوم داشت که بعضی از شما ممکن است بیمار باشد و دیگران در این سرزمین تلاش می‌کنند و گام می‌زنند و روزی خود را از فضل الهی می‌خورند و دیگران هم هستند که در راه خدا کار زار می‌کنند لذا هر چه مقدور باشد از آن بخوانند.

آری گام نخست قرائت و خواندن قرآن در همه حالات سلامت و کسالت، کسب و تلاش و جنگ و جهاد است و این یکی از راز و رمزهای انس با محبوب است که هرگز از او غفلت نورزیده و هر دم او را یاری و کمک بخواهیم که:

علیک بتلاوت القرآن علی کل حال. ۳

در مرحله بعدی و گام دوم باید تلاش و کوشش کنیم تا کلام الهی را در نهایت زیبایی و شیوایی و سلاست و روانی و جلوه‌های جذاب و تاثیر پذیر بخوانیم و در این سیاق و روش نیز بهترین سخن پیام قرآن است که می‌فرماید: *و رتل القرآن ترتیلاً (مزل، ۷۳/۲۴)؟ قرآن را شمرده و شیوا بخوان.*

و در معنا و مفهوم ترتیل گفته‌اند:

قرآن را آهسته، شمرده و شیوا و به آواز خوش و صوت حزین بخوانید و بهترین قول این سخن است که مراد از آن تأمل و تفکر در معانی آن است و پذیرفتن اوامر آن و

دست برداشتن از نواهی آن. ۴

و در بیانی از امیر کلام علی (ع) آمده:

الترتیل هو حفظ الوقوف و اداء الحروف؛ ترتیل، شناخت جایگاه‌های وقف و تلفظ درست و صحیح حروف است.

تعلیم و فراگیری دقیق کلمات قرآن و علم تجوید که شامل شناخت حروف، و تمایز حروف، مخارج حروف و تلفظ آن به صورت فصیح و گویا است، از مصادیق بارز ترتیل

است و می دانیم که اگر قرآن با این دقت خوانده شود تأثیرات عمیق ظاهری و باطنی و معنایی آن توأمان در جان و دل انسان آشکار می گردد، و نیز صوت و لحن و ملحون و محزون و آهنگین و موزون خواندن کلام الهی نیز جلوه های دیگر تجلی این حدیث نورانی است و در این پیوند، احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) داریم که ما را در زیبا خواندن قرآن تشویق و ترغیب کرده اند، که در ذیل به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

من دعاء الامام الصادق جعفر بن محمد (ع):

اللهم حبب الينا حسن تلاوته و حفظ آياته؛^۶ خدایا نیکو خواندن قرآن و حفظ آیات آن را محبوب من گردان.

قال رسول الله (ص):

لكل شی حلیة و حلیة القرآن الصوت الحسن؛^۷ برای هر چیزی زیور و زیبایی است و زینت قرآن صوت نیکوست.

إقرأوا القرآن بالحن العرب و اصواتها؛^۸ قرآن را با صوت و لحن عربی بخوان.

زینوا القرآن باصواتکم؛^۹ قرآن را با صوت خوش زینت بخشید.

حسنوا القرآن باصواتکم فان الصوت الحسن یزید القرآن حسنه؛^{۱۰} قرآن را با صدا و صوت خویش نیکویی بخشید زیرا صوت نیکو بر حسن قرآن افزایش.

باید تلاش کنیم این زیبایی و لطافت و ظرافت های قرآن را در وجودمان بارور ساخته تا در شکل و قالب خشوع و خضوع و تواضع و فروتنی در سیرت و سلوکمان تجلی یابد و در تجلی این تأثیرات عمیق قرآنی در سیرت و سرشت انسان از رسول گرامی اسلام (ص) سؤال شد: ای الناس احسن صوتا بالقرآن؟ فقال: من اذا سمعت قرائته رأیت انه یخش الله؛^{۱۱} بهترین مردم از نظر نیکو خواندن قرآن کیست؟ حضرت فرمود: کسی که وقتی قرائتش را می شنوی، خشوع و خضوع در پیشگاه پروردگار را در وجود او ببینی.

می دانیم که تأثیرات عملی تلاوت های زیبا با الحان دل انگیز چه تأثیرات عمیقی در دل و جان انسان ها داشته و در گزارش هایی آمده: هنگامی که مرحوم عبدالباسط در ماه مبارک رمضان در یکی از کشورهای آفریقایی به تلاوت قرآن مشغول بود، تعداد زیادی تحت تأثیر الحان زیبای او به اسلام ایمان آوردند و این جلوه های رویکرد مبارک را در میان جوانان ایران اسلامی بعد از پیروزی انقلاب و حرکت فزاینده قرآنی به عینه مشاهده می کنیم.

البته آهنگ موزون، و زیبا علاوه بر انسان بر همه موجودات و حتی جمادات نیز تأثیرات چشمگیری دارد که در سوره مبارکه سبأ یکی از جلوه‌های این تأثیر را از آهنگ ملکوتی حضرت داوود (ع) می بینیم:

و لقد آتینا داوود منا فضلا یا جبال اوبی معه و الطیر و الناله الحدید (سبأ، ۱۰/۳۴)؛ و براستی از خود به داوود بخشش و موهبتی ارزانی داشتیم و «گفتیم» ای کوه‌ها و ای مرغان با او هم نوایی کنید و آهن را برای او نرم گردانیدیم.

قدم سوم در این مسیر هدایت آفرین پس از خواندن (قرائت) و زیبا و مؤثر خواندن (ترتیل و تحقیق) تفکر و اندیشه و تعقل و خردورزی در کلام الهی است که بی شک بنیان و اساس این صحیفه مبارک آسمانی بر مبنای اندیشه و تفکر در آیات مبارکات آن است، تا جایی که خداوند سبحان می فرماید:

أفلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب افعالها (محمد، ۲۴/۴۷)؛ آیا در قرآن تأمل نمی کنید، آیا بر دلها قفل‌های (غفلت) شان افتاده است.

و در جای جای قرآن عبارات: (افلا تفکرون، افلا تعقلون، افلا تذکرون، افلا تبصرون) و اشارات ظریف و لطیف در این خصوص آمده که هر انسان اندیشمندی را به دقت نظر و تعمق در آیات و می دارد.

نیز در روایات فراوانی به این دقت و تفکر و تذکر اشاره شده است:

قال رسول الله (ص): ویل لمن لا کها بین لحيیه لم یتدبرها؛^{۱۲} وای بر کسی که قرآن را زمزمه می کند و در آن اندیشه نمی کند.

قال الامام علی بن ابیطالب (ع):

الا لا خیر فی قراءه لا تدبر فیه؛^{۱۳} آگاه باشید در قرائتی که در آن اندیشه و تدبر نباشد خیری نیست.

ان هذا القرآن فیه منار الهدی و مصابیح الدجی فلیجل جال بصره و یفتح لضیاء نظره فان تفکر حیاة قلب البصیر کما یمشی فی الظلمات بالنور؛^{۱۴} همانا در این قرآن جایگاه نور و هدایت و چراغ‌های فروزان است، پس باید انسان دیدگان خود را بر آن گشوده، از نور آن بهره یابد، همانا تفکر و اندیشه زندگی قلب بیناست همچنان که با نور و روشنایی در تاریکی گام برمی دارد.

اشارت‌های پیامبران مرسل و خاتم آنان پیامبر اکرم (ص) در کلام جاوید وحی (قرآن) و

دریافت‌های درونی از هدایت‌های اندیشه و خرد، این مایه امتیاز و عظمت انسان از سایر موجودات، انسان را بر بلندای حقیقت ملک و ملکوت به پرواز درآورده، به مقصد مطلوب واصل می‌گرداند که: **ألا إلى الله تصير الامور؛** (شوری، ۵۳/۴۲) بدانید همه امور به سوی خدا منتهی می‌شود. اینک در گام چهارم و مرحله نهایی پس از قرائت جمیل و فصیح و ملحون و موزون، خواندن و تدبر و تعقل و خردورزی، باید به الگو پذیری و تجسم الفاظ و الحان و آیات در سیره عملی زندگی پردازیم، عالی‌ترین و کامل‌ترین تجلی حقایق قرآن در جمیع حالات، تأثیر در رفتار و سلوک انسان است و اگر انسان به این مرحله از کمالات قرآنی دست یابد و به اخلاق ستوده قرآنی متخلق گردد، بی‌شک به بلندای حقیقت کلام ربوبی دست یازیده، آمادگی ارتباط و تجانس با بندگان خاص و پاکان و صدیقان و شهداء، که نیکو رفیقانی هستند پیدا می‌کند و حقیقت قرآن این است که قلب و جان خویش را مأوای آن قرار دهیم که: **لا يعذب الله قلباً أسكنه القرآن؛** ۱۵ خداوند قلبی را که جایگاه قرآن باشد عذاب نمی‌کند. و در زمره و گروه حاملان قرآن قرار گرفته که:

حملة القرآن عرفاء اهل الجنة؛ ۱۶ حاملان قرآن سرشناسان اهل بهشتند. و از خصیصین و ویژگیان ربوبی گشته که:

حملة القرآن هم المخصوصون برحمة الله؛ و لباس نور بر تن کرده که: الملبوسون نور الله و گوش جان بر آیات الهی گشوده، تسلیم محض آن گردیم که:

المسلمون كلام الله. ۱۷

و در اعلا درجه انسانیت جای گیریم که:

ان هذا القرآن في أعلى درجة من الآدميين ما خلا النبيين والمرسلين. ۱۸

۱. عوالی اللثالی، ۹۹/۴، ح ۱۴۰؛ بحار الانوار، ۹۷/۱.
۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵.
۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۹/۲.
۴. کنز العرفان، ۱۴۹/۱.
۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۴۲۳/۶۷.
۶. کلینی، کافی، ۴۱۷/۲.
۷. همان/۴۵۰.
۸. همان/۴۵۲.
۹. وسائل الشیعه، ۲۹۵/۲.
۱۰. عیون اخبار الرضا، ۶۹/۲.
۱۱. بحار الانوار، ۱۹۵/۹۲.
۱۲. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۵۵۴/۲.
۱۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار/۶۷.
۱۴. کافی، ۴۳۸/۲.
۱۵. جامع الاخبار. ۲۸۷/۱.
۱۶. همان/۲۹۰.
۱۷. همان.
۱۸. کافی، ۴۴۱/۲.